



دوره ۴، شماره ۲، پاییز و زمستان ۱۳۹۶ (پیاپی ۹)
صفحات ۱۷۹ تا ۲۰۲

محرمانگی در فرآیند میانجیگری کیفری

حسین غلامی^{۱*}، علی مقدم^۲

۱. دانشیار دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه علامه طباطبائی

۲. دانشجوی دکتری حقوق جزا و جرم‌شناسی دانشگاه علامه طباطبائی

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۷/۲۶ - تاریخ تصویب: ۱۳۹۶/۱۲/۸)

چکیده

محرمانگی یکی از مؤلفه‌های مهم در میانجیگری کیفری بوده و بدون رعایت اصل محرمانه بودن فرآیند میانجیگری بعید است گفتگوی معناداری بین بزه دیده و بزه‌کار صورت گیرد. اگر اصل محرمانگی تضمین نشود، ممکن است بزه‌کار و بزه دیده تمایلی به شرکت در فرآیند میانجیگری نداشته باشند و تصمیم بگیرند که در این فرآیند شرکت نکنند؛ بنابراین حصول اطمینان از مشارکت بزه دیده و بزه‌کار یکی از دلایل اصلی برای محرمانه بودن این فرآیند است. اصل محرمانه بودن فرآیند میانجیگری در اسناد و معاهدات بین‌المللی و قوانین اغلب کشورها به رسمیت شناخته شده است؛ با این وجود این اصل استثنا پذیر بوده و در مواردی ممکن است اطلاعات و مکالمات و اسناد ارائه شده از شمول این اصل خارج شده و قابل افشاء باشند. این الزام یا ناشی از حکم قانون است یا توافق طرفین. همچنین، در مواردی ممکن است بین مقررات مربوط به محرمانگی در فرآیند میانجیگری و سایر قوانین جزایی و حقوقی درباره محرمانگی تعارض وجود داشته باشد؛ بنابراین با توجه به استثنا پذیر بودن اصل محرمانگی، میانجی‌گرها باید به شرکت‌کنندگان در جلسات میانجیگری هشدار بدهند که هرگونه پذیرش ارتکاب جرائم مربوط به گذشته ممکن است به‌عنوان اقرار صریح به جرم و یا تهدید به ارتکاب جرم در آینده امری محرمانه تلقی نشده و دادگاه از این شواهد و دلایل مورد قبول در رسیدگی‌های بعدی استفاده کند.

کلید واژگان

میانجیگری، محرمانگی، بزه دیده، بزه‌کار، میانجی

* gholami1970@yahoo.com

مقدمه

میانجیگری بزه دیده و بزهکار^۱ فرآیندی است که به موجب آن یک میانجی بین بزه دیده و بزهکار به وساطت می‌کند. میانجی فضایی را به وجود می‌آورد تا بزه دیده و بزهکار به نحو برابر بتوانند حرف بزنند. میانجی فردی بی طرف بوده و در مقام قضاوت نیست، بلکه نقش وی حل اختلاف است. حضور بزهکار و بزه دیده در این فرآیند لازم است و بدون حضور آنها اساساً امکان میانجیگری وجود ندارد. میانجیگری فرآیندی است که به بزه دیده فرصت می‌دهد با بزهکار ملاقات کند و در فضایی امن و آرام و باهدف حصول به آرامش و بهبودی و پاسخگو نمودن مستقیم بزهکار جبران زیان‌های خود را تقاضا نماید (غلامی، ۱۳۸۵، ص ۱۲۵) هدف اصلی در این محیط، برقراری ارتباط بین طرفین است و تعیین نوع مجازات از اهداف تعیین شده محسوب نمی‌گردد (Umbreit, 1998, p. 21) بزهکاران در خصوص عواقب اعمال خود آگاه می‌شوند و اثرات پایدار اعمال مجرمانه خود را درک کرده و می‌توانند برای به دست آوردن رضایت و بخشش بزه دیدگان عذرخواهی کنند (Price, 2001, p. 2) از طریق این گفتگو بزه دیدگان قادر خواهند بود درک کنند چه عواملی باعث شده است که مجرمان مرتکب چنین جرمی شوند. یکی دیگر از هدف‌های اساسی میانجیگری در امور کیفری، فراهم کردن فرصتی از طریق ملاقات و گفتگو است تا وضعیت بزه دیده و روند بهبودی او بهتر و سریع‌تر انجام شود؛ بنابراین به منظور داوطلبانه بودن میانجیگری در امور کیفری، بزهکار باید اعتراف نماید که مرتکب جرم شده است و به صورت داوطلبانه شرکت در میانجیگری را قبول کند. به علاوه فقدان این دو پیش شرط موجب می‌شود تا بزهکار برای فرار از آثار منفی احتمالی در میانجیگری شرکت نکند (Price, Ibid, p. 34) در واقع بدون شرط داوطلبانه بودن این فرآیند، کل پایه و اساس میانجیگری کیفری به خطر می‌افتد.

۱. کمیته کارشناسان تهیه توصیه نامه ۱۹(۹۹)R، شورای اروپا (CEPEJ) در طول سال‌های ۱۹۹۷ الی ۱۹۹۹ پس از بحث فراوان تصمیم به استفاده از اصطلاح "میانجیگری در موضوعات کیفری" به جای "میانجیگری کیفری" گرفت. با این استدلال که واژه "میانجیگری کیفری" در برگزیده یک نوع تناقض می‌باشد زیرا؛ میانجیگری در ذات ترمیمی خود نمی‌تواند در برگزیده کیفر باشد. این استدلال در روند تهیه پیش نویس "اصول اساسی استفاده از عدالت ترمیمی در موضوعات جنایی" سازمان ملل متحد ECOSOC در سال ۲۰۰۲ نیز تاثیر گذار بود. برای جلوگیری از هر گونه سردرگمی بین عدالت ترمیمی و کیفر، این پیش نویس واژه "موضوعات جنایی" را جایگزین واژه "موضوعات کیفری" نمود. همچنین شورای اروپایی برای کارآمدی عدالت در حال حاضر توصیه می‌نماید که با توجه به ابهام ذاتی واژه "میانجیگری کیفری" در استفاده از این واژه باید اجتناب شود و از اصطلاحات بیطرفانه تری مانند «میانجیگری بزه دیده و بزهکار» یا «میانجیگری در مسائل جنایی» یا «میانجیگری ترمیمی» استفاده شود.

منظور از اصل محرمانه بودن این است که جریان رسیدگی و حل اختلاف شامل جلسات رسیدگی، مباحثات و مذاکرات میان طرفین و اشخاص ثالث، اسناد و دلایل ارائه شده، نتیجه حاصل از رسیدگی و به طور خلاصه کلیه اطلاعاتی که طرفین در طول رسیدگی‌ها از آن مطلع می‌شوند باید محرمانه باقی بماند و نباید برای اشخاص ثالثی که دخالتی در این روند نداشته‌اند افشاء گردد (درویشی هویدا، ۱۳۸۸، ص ۲۶۰) قاعده کلی در میانجیگری این است که اطلاعات و اسناد افشاء شده در طول جلسات محرمانه و ممتاز محسوب می‌گردند. منطق این کار نیز ساده و محکم است. یکم، این عمل موجب تشویق به صداقت و راست‌گویی و ارتباط مؤثر بین طرفین و میانجی می‌شود. دوم، ضرورت دارد که ما اسناد قابل افشای مناسب که لازمه رسیدن به حل و فصل مناسب موضوع است را داشته باشیم. سوم، نگه‌داشتن اطلاعات و اسناد قابل افشاء در طول فرآیند میانجیگری کیفری به صورت محرمانه باعث القاء اعتماد به نفس و اعتماد به روند میانجیگری کیفری می‌شود. میانجی که همانند یک قاضی بی‌طرف محسوب می‌شود، نباید در خصوص مکالمات و اطلاعاتی که در طول فرآیند میانجیگری به نفع هر یک از طرفین ابراز می‌شود شهادت بدهد. وجود میانجی بی‌طرف به‌عنوان یک قاضی دارای یک منطق مهم برای جلب اعتماد عمومی به میانجیگری کیفری هست. با توجه به اینکه میانجیگری در امور کیفری به‌عنوان یک نهاد نوین با ترتیبات و مقررات موضوع بحث در ماده ۸۴ قانون آیین دادرسی کیفری سال ۹۲ و آیین‌نامه آن^۱ مورد پذیرش قانون‌گذار قرار گرفته است و هنوز در مراحل ابتدایی خود به سر می‌برد؛ بنابراین لازم است که جهت روشن شدن زوایای مختلف آن بحث‌های علمی و نظری دقیق و مفصل‌تری صورت گیرد تا در مقام اجرای میانجیگری، این مباحث بتواند راهگشا و مثمر ثمر واقع شوند.

۱- میانجیگری کیفری در ماده ۸۲ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ پیش‌بینی گردید. مطابق ماده ۸۴ همین قانون، چگونگی انجام دادن و ترتیب میانجیگری موکول به تصویب آیین‌نامه آن ظرف مدت سه ماه از زمان لازم الاجرا شدن این قانون که مقرر بود توسط وزیر دادگستری تهیه و پس از تایید رئیس قوه قضائیه به تصویب هیات وزیران برسد گردیده بود. این آیین‌نامه در ابتدا در ۳۸ ماده و ۱۴ تبصره با پیشنهاد وزیر دادگستری در تاریخ ۹۴/۹/۸ به تصویب رئیس قوه قضائیه رسید و در روزنامه رسمی منتشر و لازم الاجرا گردید. ولیکن به جهت اینکه در متن ماده ۸۴ قانون آیین دادرسی کیفری اجرای آیین‌نامه منوط به تصویب هیات وزیران گردیده بود آیین‌نامه مصوب رئیس قوه قضائیه لغو و آیین‌نامه تهیه شده به هیات دولت ارسال که در نهایت در مورخه ۱۳۹۵/۷/۲۸ آیین‌نامه مذکور با تغییرات بسیار جزئی نسبت به آیین‌نامه قبلی منشر شده در روزنامه رسمی، تصویب و لازم الاجرا گردید.

۱. مبنای اصل محرمانگی

محرمانگی یکی از الزامات اصلی و مبنایی میانجیگری کیفری است. ماهیت خصوصی میانجیگری بین بزه دیده و بزه‌کار نقش مهمی در توان بالقوه آن ایفاء می‌کند. مبنای وضع چنین اصلی در میانجیگری کیفری به اختصار به شرح ذیل می‌باشد:

میانجیگری، بزه‌کاران و بزه‌دیدگان را قادر می‌سازد تا به صورت آزادانه نگرانی‌ها و علایق و نیازهای خود را بیان کنند؛ به طوری که آنان می‌توانند بر اساس نیازها و احساسات واقعی خود به یک توافق برسند. برای تسهیل ارتباط بین بزه دیده و بزه‌کار باید محیطی فراهم شود که در آن هر دو طرف بدون هیچ‌گونه محدودیتی اظهارات خود را بیان نمایند. در طول میانجیگری، معمولاً بزه دیده و بزه‌کار در خصوص تجربیات، نیازها و علایق خود که در ارتباط با اثرات جرم هست صحبت می‌کنند. در طول فرآیند میانجیگری خود آن‌ها می‌توانند در خصوص آنچه اتفاق افتاده است و اینکه چگونه این موضوع آن‌ها را تحت تأثیر قرار داده است صحبت کنند. (Duff, 2003, p. 50) در طول فرآیند میانجیگری بزه‌کار می‌تواند توضیح دهد که چه شرایطی باعث شده است تا وی مرتکب جرم شود و یا اینکه چگونه بزه‌دیدگان خود را انتخاب کرده است. بزه‌دیدگان نیز می‌توانند در خصوص اثرات بزه بر روی خود توضیح دهند؛ به عنوان مثال، ترس از بیرون رفتن یا تنها بودن در خانه. این موضوع و موضوعات مشابه را می‌توان توسط طرفین در دوره میانجیگری بررسی کرد. بحث راجع به جرم، حوادث مرتبط با آن و عواقب بعدی بخش مهمی از هر روش میانجیگری هست؛ زیرا برای رسیدن به یک توافق شناخت و درک متقابل لازم است. عنصر مهم دیگر میانجیگری کیفری تمرکز بر آینده به جای پرداختن به گذشته هست. (Ibid, p. 55) مخصوصاً باید این فرصت به بزه‌دیدگان داده شود تا انتظارات خود را از بزه‌کاران اظهار کنند. بزه‌دیدگان ممکن است غرامت مالی، معذرت‌خواهی و یا مشارکت بزه‌کار را در خدمات اجتماعی درخواست نمایند. همچنین بزه‌کار می‌تواند اظهار نماید که برای ارائه چه خدماتی به بزه دیده از نظر مالی یا غیرمالی جهت جبران خسارت آمادگی دارد. پس از آن ممکن است طرفین به یک توافق در خصوص نحوه جبران خسارت وارده به بزه دیده برسند.^۱

با توجه به اصل محرمانه بودن، تمام اطلاعات ردوبدل شده بین بزه دیده و بزه‌کار در طول فرآیند میانجیگری باید مخفی نگه‌داشته شود؛ مگر اینکه به طریق دیگری در توافق‌نامه مابین

۱- در خصوص اثربخشی روش میانجیگری و سایر روش‌های رویکرد عدالت ترمیمی در مقایسه با رویکرد عدالت کیفری برای نمونه نک: غلاملو، جمشید، رویکرد ترمیمی به تعقیب جرایم علیه شخصیت معنوی، دانش‌نامه عدالت ترمیمی: مجموعه مقاله‌های همایش بین‌المللی عدالت ترمیمی و پیشگیری از جرم، تهران: میزان، چاپ نخست، ۱۳۹۶، صص ۶۰۴ تا ۶۱۸

طرفین شرط شده باشد. همچنین، اصل محرمانه بودن فرآیند میانجیگری از استانداردهای پیش‌بینی‌شده در قوانین بین‌المللی و داخلی پیروی می‌کند. دلیل اصلی برای حمایت از محرماتگی در خصوص تمام اطلاعات مربوط به میانجیگری این است که افشای بالقوه اطلاعات ردوبدل شده در طول میانجیگری و مرتبط با آن ممکن است باعث ترس بزه دیده و بزهکار از صحبت کردن در فرآیند میانجیگری شود. در صورت عدم تضمین حریم خصوصی ممکن است آن‌ها احساس آزادی جهت صحبت در خصوص نیازها و احساسات خود نکنند. اطلاعاتی که بزهکاران افشاء می‌کنند ممکن است به موقعیت آن‌ها در طول فرآیند رسیدگی قانونی لطمه وارد کند. به‌عنوان مثال، بزهکاران ممکن است زمانی که در خصوص شرایطی که باعث ارتکاب جرم توسط آن‌ها گردیده است توضیح می‌دهند خود را مقصر قلمداد کنند؛ اگر محیط میانجیگری محرمانه بودن این اطلاعات را تضمین نکند، ممکن است بزهکار تصمیم بگیرد که در این فرآیند شرکت نکند و یا در صورت شرکت در فرآیند میانجیگری، آگاهانه تمام مطالب را بیان نکند. بزه دیدگان نیز ممکن است چنانچه راجع به عواقب روانی جرم در طول میانجیگری توضیح می‌دهند، با این عقیده که اطلاعات آن‌ها افشاء می‌گردد احساس راحتی نکنند. آن‌ها ممکن است ترجیح دهند که چنین اطلاعات شخصی و حساس به‌صورت محرمانه باقی بماند. (Crowther, 2007, pp-19-20)

حصول اطمینان از مشارکت بزه دیده و بزهکار یکی از دلایل اصلی برای ماهیت محرمانه بودن میانجیگری کیفری است. اصل محرمانه بودن همچنین از این ایده که یک محیط خصوصی باعث مشارکت برابرتر بین طرفین می‌گردد، الهام گرفته شده است. اگر بزه دیده و بزهکار احساس آزادی در تبادل نیازها و خواسته‌هایشان نمایند، احتمال بیشتری دارد که به توافق برسند (Tomkins, Mark, 2002, p- 317) با این حال، اگر موضوعات خاص پس از بیان قابل افشاء باشند آن‌ها ممکن است محتاط‌تر شوند (Braithwaite, 2003, pp- 10-11) به‌عنوان یک نتیجه، اصل محرمانه بودن نه تنها در قبل از آغاز فرآیند میانجیگری نقش بازی می‌کند، بلکه در زمانی که آن‌ها تصمیم می‌گیرند که با یکدیگر صحبت کنند و نیز در طول فرآیند میانجیگری و نیز در زمان تبادل اطلاعات نیز همین نقش را ایفاء می‌نماید.

دلیل سوم برای ماهیت محرمانه میانجیگری کیفری مربوط به ماهیت میانجیگری در مقایسه با سامانه عدالت کیفری سنتی است. میانجیگری کیفری یک فرآیند خصوصی است در حالی که شرکت در محاکمه کیفری برای عموم آزاد است. به‌طور کلی نظام عدالت کیفری سنتی به نمایندگی از جامعه یک واکنش سرکوبگرانه را در مقابل جرم ارائه داده، بزه دیدگان هیچ نقشی در اجرای عدالت بازی نمی‌کنند و منافع آن‌ها از طریق مدعی‌العموم نمایندگی می‌شود. دادستان می‌تواند بزهکار را به دادگاه بفرستد و در آنجا یک قضاوت بی‌طرفانه در مورد وی صورت گیرد. به دادگاه وظیفه تعیین مجازات در صورت احراز گناهکاری بزهکار-نقض قوانین جامعه- داده شده است؛ بنابراین بزهکار

می‌تواند توسط دادگاه مجازات شود و به خاطر نظارت و شفافیت، رسیدگی دادگاه باید به صورت علنی برگزار شود. (Hirsch, 2003, p- 34) اما هدف از میانجیگری کیفری ارائه پاسخ سرکوب‌گرایانه و تحمیل مجازات به بزه‌کار نیست. بلکه میانجیگری پاسخی به نیازهای بزه دیده و بزه‌کار هست که بعد از وقوع جرم بروز کرده است. هدف از میانجیگری فراهم کردن امکان گفتگو بین طرفین هست. به همین دلیل، میانجیگری کیفری نیاز به دسترسی عمومی جهت نظارت و شفافیت ندارد و لازم نیست که در یک محیط عمومی انجام شود (Lauwaert, 2008, p-29)

۲. اصل محرمانگی در قوانین و مقررات

میانجیگری کیفری در سال‌های اخیر، به صورت مستقیم و غیرمستقیم موضوع چندین سند، قطعنامه، توصیه‌نامه و رهنمود بین‌المللی و منطقه‌ای قرار گرفته است، سازمان ملل و شورای اروپا در این خصوص توصیه و رهنمودهایی داشته‌اند و به تبع آن میانجیگری به نظام حقوقی بسیاری از کشورها راه یافته است در اسناد بین‌المللی و مقررات داخلی راجع به اصل محرمانگی مقرراتی وضع گردیده که در ادامه به اختصار اشاره می‌گردد.

۱.۲. معاهدات و اسناد بین‌المللی

اصل محرمانگی در اصول اساسی مورد استفاده در برنامه‌های عدالت ترمیمی در موضوعات کیفری سازمان ملل^۱ و توصیه‌نامه شورای اروپا^۲ مدون شده است. بند دوم توصیه‌نامه شورای اروپا بیان می‌دارد «بحث‌های صورت گرفته در میانجیگری محرمانه هست و نمی‌توان متعاقباً آن‌ها را فاش کرد، مگر با توافق طرفین» بند ۱۴ از اصول اساسی سازمان ملل متحد نیز به شرح زیر است: «بحث در فرآیندهای ترمیمی که به صورت عمومی صورت نمی‌گیرد باید محرمانه باشد و متعاقب آن نیز نباید افشاء شوند، مگر با توافق طرفین یا در مواردی که به موجب قانون داخلی لازم باشد.»

هر دو این مقررات بر اساس دلایلی که در بالا بیان شد وضع شده‌اند. تشویق به مشارکت در میانجیگری و اظهار نظر آزادانه در طول میانجیگری، زمینه اصلی برای وضع قاعده محرمانگی در فرآیند میانجیگری هست.

علاوه بر این، هر دو پروتکل استثنائاتی به اصل محرمانه بودن فرآیند میانجیگری وارد کرده‌اند؛ یک استثناء زمانی ایجاد می‌شود که طرفین در خصوص افشای اطلاعات خاص توافق کنند. ممکن

1. Basic Principles on the Use of Restorative Justice Programmes in Criminal Matters, ECOSOC Res/2000/14
2. Recommendation R (99)19 concerning Mediation in Penal Matters Adopted by the Committee of Ministers, 15 September 1999

است در طول میانجیگری، بزه دیده و بزه‌کار در خصوص محرمانگی اطلاعات خلق شده در طول میانجیگری مذاکره کنند. اگر طرفین توافق کنند که بعد از اتمام میانجیگری صحبت کردن در مورد مسائل خاصی اجازه داده شود، اصل محرمانه بودن دیگر به این مسائل تسری پیدا نمی‌کند. علاوه بر این، قوانین داخلی دولت‌ها نیز گاهی اوقات اطلاعاتی را لازم دانسته‌اند (van Schijndel, 2009, p-46) مفاهیم گوناگونی از اصل محرمانه بودن در هر دو پروتکل مورد اشاره تدوین شده است. توصیه‌نامه شورای اروپا و اصول اساسی سازمان ملل متحد هر دو بیان داشته‌اند که اذعان به ارتکاب جرم که لازمه شرکت در میانجیگری هست نمی‌تواند به‌عنوان دلیلی مبنی بر اقرار به ارتکاب جرم در مراحل قانونی مورد استفاده قرار گیرد.^۱ همچنین این توصیه‌نامه تعدادی از وظایف میانجی را در ارتباط با گزارش فرآیند میانجیگری به مقامات مربوطه برشمرده است. در وهله اول، میانجی باید هرگونه اطلاعاتی در ارتباط با جرائم مهم قریب‌الوقوع را که ممکن است در طول میانجیگری به‌دست‌آمده باشد به مقامات یا افراد مربوطه انتقال دهد. میانجی با توجه به الزامات قانون داخلی تعهد دارد که نسبت به گزارش و پیشگیری از چنین جرائمی اقدام نماید.^۲ در مرحله دوم، بند ۳۲ توصیه‌نامه بیان می‌کند که میانجی باید در طول مراحل میانجیگری، نتایج به‌دست‌آمده را به مقامات عدالت کیفری گزارش نمایند. برای جلوگیری از نقض محرمانگی، گزارش میانجی نباید محتویات جلسات میانجیگری را آشکار نماید. همچنین این گزارش نباید هیچ‌گونه قضاوتی را در خصوص نحوه رفتار طرفین در طول فرآیند میانجیگری ابراز نماید.^۳ اصول اساسی سازمان ملل متحد نیز چنین بحثی را تحت عنوان میانجیگری شکست‌خورده دارد. بند ۱۶ و ۱۷ این سند بیان گردیده که شکست در رسیدن به یک توافق نباید در فرآیند عدالت کیفری تأثیرگذار باشد. همچنین عدم اجرای توافق نباید منجر به تشدید ضمانت‌اجراهای بعدی شود. طرفین نباید ملزم به توضیح در خصوص علت شکست میانجیگری شوند؛ زیرا این امر ممکن است باعث نقض اصل محرمانه بودن فرآیند میانجیگری شود. علاوه بر این، ممکن است ماهیت داوطلبانه بودن مشارکت طرفین در این فرآیند در معرض خطر قرار گیرد؛ چراکه در این صورت طرفین قادر نخواهند بود بدون تحمل عواقب آن از میانجیگری کنار بروند. به همان دلایل نیز دادگاه نباید علل شکست میانجیگری را بررسی کند؛ بنابراین علل شکست در رسیدن به یک توافق یا اجرای یک توافق نباید هیچ نقش مهمی در رسیدگی‌های بعدی ایفاء کند. از این‌رو، میانجیگری ناموفق یا شکست‌آلود اجرای توافق میانجیگری باید صرفاً به‌عنوان انگیزه‌ای جهت از سر گرفتن فرآیند عدالت کیفری در نظر گرفته شود. (Van Ness, 2003, pp-171-173)

1. Paragraph 14 of the Recommendation, and Paragraph 8 of the Basic Principles

2. Paragraph 30 of the Recommendation

3. Paragraph 32 of the Recommendation

ماهیت محرمانه بودن میانجیگری کیفری در دستورالعمل‌هایی که برای میانجیگری حرفه‌ای صادر می‌شود نیز توصیه می‌شود؛ برای نمونه دستورالعمل‌های اخلاقی توصیه‌شده توسط انجمن میانجیگری کیفری (VOMA)^۱ که بخش پنجم این دستورالعمل، شامل تعدادی از مقررات مربوط به محرمانگی هست، محدودیت‌های محرمانگی، عواقب ناشی از افشای غیرعمدی اطلاعات، افشای اطلاعات توسط میانجی پس از اتمام فرآیند میانجیگری و نحوه ذخیره‌سازی اطلاعات مربوط به فرآیند میانجیگری را پیش‌بینی کرده است. با توجه به این دستورالعمل، میانجی وظیفه دارد در خصوص محدودیت‌های مربوط به محرمانگی اطلاع‌رسانی نماید و نیز شرایطی را که تحت آن میانجی موظف به ادای شهادت هست را برای طرفین بیان کند (Umbreit, *Ibid*, p.5)

همچنین، شورای اروپایی برای کارآمدی عدالت^۲ (CEPEJ) راهنمایی‌هایی برای اجرای بهتر توصیه‌های موجود در مورد میانجیگری در امور کیفری پیش‌بینی کرده است. وفق بند ۱-۶ توصیه‌های صورت گرفته توسط این گروه به تاریخ «۷ دسامبر ۲۰۰۷» برای میانجی وظیفه رازداری باید در تمام فرآیند میانجیگری و بعد از آن اجباری باشد. هرزمانی که این وظیفه مشمول استثنائاتی می‌شود این استثنائات باید به‌روشنی توسط قانون مشخص شده باشد. علاوه بر این؛ کشورهای عضو باید ضمانت اجراهای قانونی را برای رعایت محرمانگی در میانجیگری فراهم کنند. نقض وظیفه محرمانگی توسط میانجی باید به‌عنوان یک تخلف انضباطی مهم به حساب آید و ضمانت اجرای مناسبی نیز در نظر گرفته شود.

۲.۲. قوانین و رویه قضایی

اهمیت محرمانه بودن میانجیگری کیفری در قوانین بسیاری از کشورها، مورد توجه قرار گرفته است. برای نمونه بلژیک در تنظیم قوانین خود توجه زیادی به این اصل نموده است و چندین بار ماهیت خصوصی میانجیگری کیفری را متذکر شده و محرمانه بودن را یکی از عناصر اساسی میانجیگری شمرده است. اسناد مربوط به میانجیگری و تمام اظهارات طرفین در طول میانجیگری محرمانه است. به‌عنوان یک نتیجه، چنین اطلاعاتی را نمی‌توان به‌عنوان مدرک در رسیدگی‌های بعدی اعم از حقوقی، کیفری، اداری یا داوری مورد استفاده قرار داد. باین حال بزه دیده و بزهدار می‌توانند در خصوص افشاء برخی از اطلاعات توافق کنند. میانجی‌ها نمی‌توانند هر چیزی را که به‌واسطه حرفه خود به دست می‌آورند افشاء نمایند، به‌علاوه آنها نمی‌توانند در هریک از رسیدگی‌هایی که در بالا اشاره شد به‌عنوان شاهد فراخوانده شوند؛ مگر اینکه به‌موجب قانون ملزم به ادای شهادت باشند. اگر میانجی نقض کند به حبس یا جزای نقدی محکوم می‌شود. (van Schijndel, *Ibid*, p.47).

1. Victim-Offender Mediation Association Recommended Ethical Guidelines
2. EUROPEAN COMMISSION FOR THE EFFICIENCY OF JUSTICE

کشورهای دیگری هم که برنامه‌های میانجیگری کیفری را اجرا می‌کنند، مانند نروژ^۱ و بلغارستان^۲ اصول مربوط به اصل محرماتگی در فرآیند میانجیگری را در قوانین فرعی خود مانند آیین‌نامه‌های اداری پیش‌بینی کرده‌اند (Miers & Willemsens, 2004, p-101) با توجه به فصل ۷ بخش ۴۴ لایحه قانون رازداری ۱۹۸۰ سوئد، تمام اطلاعات در مورد وضعیت شخصی در خدمات میانجیگری محرمانه هست. اطلاعات تنها در صورتی می‌توانند افشاء شوند که به‌وضوح مشخص باشد اگر این اطلاعات افشاء شوند هیچ‌گونه خطر و آسیبی برای طرفین یا اشخاصی که با آن‌ها در ارتباط هستند، نخواهد داشت. معنای واژه «آسیب» نیز اشاره به خسارات اقتصادی و ناراحتی‌های روانی دارد. بر اساس فصل ۱۴ بخش ۳، چنانچه روشن باشد منافع افشاء اطلاعات بیش از منافع محرمانه نگه‌داشتن آنها است، می‌تواند در اختیار مقامات رسمی قرار گیرد (Frida Eriksson, 2008, p-24).

در نظام کیفری ایران ماده ۸۲ قانون آیین دادرسی کیفری ارجاع جرائم تعزیری درجه شش تا هشت را به میانجیگری کیفری در صورت رضایت طرفین و تشخیص مقام قضایی پیش‌بینی نموده و سازوکارهای مربوط به فرآیند میانجیگری را در آیین‌نامه میانجیگری در امور کیفری پیش‌بینی کرده است. ماده ۲۱ این آیین‌نامه در خصوص بحث حاضر که عبارت از محرماتگی در فرآیند میانجیگری هست بیان می‌دارد که: «کلیدیه مطالب و اظهارات طرفین در فرآیند میانجیگری جنبه محرمانه دارد» حسب ماده ۱۹ همین آیین‌نامه، میانجی‌گر نسبت به حفظ تمام اطلاعات و اسرار که از طرفین در جریان میانجیگری به دست می‌آورد حسب مورد مسئول است. پس آنچه به‌عنوان اصل اولیه مورد پذیرش قرار گرفته، محرمانه بودن فرآیند میانجیگری در نظام عدالت کیفری ایران است؛ بنابراین فرآیند میانجیگری و تمام اطلاعات و اسناد ارائه‌شده در آن محرمانه است.

بررسی قوانین ایالتی در آمریکا نیز نشان می‌دهد که در ۲۹ ایالت آمریکا نهادهای قانونی در خصوص انواع میانجیگری وجود دارد ولی تنها در نه ایالت اشاره به بحث محرماتگی شده است (Umbreit, 2003, p-5) در سال ۱۹۹۴ کانون وکلای آمریکا (ABA)^۳ بیان داشت که اظهارات بزه دیدگان و بزه‌کاران و اسناد و سایر موارد تولیدشده در طول فرآیند میانجیگری غیرقابل استناد در فرآیند رسیدگی‌های کیفری یا مدنی هستند (American bar Association, available at <http://www.abanet.org>)

ایالت‌های دلاویر^۴ و تنسی^۵ هر دو اساسنامه‌ای تحت فصل میانجیگری بین بزه دیده و بزه‌کار که برخی حمایت‌های توصیه‌شده کانون وکلای آمریکا را نیز ارائه می‌دهد تحت عنوان اساسنامه دلاویر و تنسی تهیه کرده‌اند: طبق این اساسنامه همه یادداشت‌ها، اظهارات و محتویات پرونده‌های مراکز

1. Norway
 2. Bulgaria
 3. American bar Association
 4. Delaware
 5. Tennessee

تحت این فصل محرمانه و ممتاز هستند و قابل افشاء در هیچ مرجع قضایی واداری نیستند، مگر اینکه دادگاه یا محکمه اداری اعلام کند که این اطلاعات باهدف جلوگیری از افشای آن‌ها در رسیدگی‌های قانونی آتی توسط یکی از شرکت‌کنندگان به این مراکز ارائه شده‌اند؛ بنابراین اطلاعات مربوط به موضوع مورد حل و فصل در طول میانجیگری از سوی طرفین، میانجی یا هر شخص دیگر ممتاز محسوب گردیده است و قابل افشاء در دادگاه یا فرآیند اداری نیست؛ مگر اینکه همه طرفین از این امتیاز چشم‌پوشی کنند. امتیازات فوق و محدودیت استفاده از شواهد تحصیل شده در فرآیند میانجیگری در مواردی که تهدیدی نسبت به صدمات جسمانی و مالی نسبت به طرفین اختلاف یا اشخاص ثالث وجود دارد اعمال نمی‌شود. (Ellen Reimund, 2004, p- 10)

۳. استثنائات اصل محرمانگی در فرآیند میانجیگری

نتیجه میانجیگری می‌تواند در فرآیند و نتیجه دادرسی‌های کیفری و مدنی نیز مؤثر باشد. اصل محرمانه بودن ممکن است با برخی قوانین در تعارض باشد؛ یعنی از یک سو با حکم الزام‌آور محرمانه نگه‌داشتن میانجیگری مواجه هستیم و از سوی دیگر سایر قوانین محرمانه نگه‌داشتن برخی اطلاعات و عدم افشای آن را منع می‌کنند. مشکلی که در این ارتباط رخ می‌دهد این است که به دلیل متغیر بودن قوانین مربوط به محرمانگی در برنامه‌های میانجیگری، ضروری است میانجیگرها از قوانین حوزه قضایی خود و الزامات قانونی موردنیاز و سایر قوانین مربوط به اخلاق حرفه‌ای آگاه شوند، به طوری که بتوانند طرفین را از محدودیت‌های مربوط به محرمانگی مطلع سازند. در میانجیگری کیفری میانجی موظف است اصل محرمانه بودن را رعایت کند به همان نحوی که یک وکیل در خصوص اسرار مربوط به موکل خود موظف به رعایت اصل محرمانه بودن هست. چنین وضعیت ممتازی باید نسبت به مکالمات و اسناد ارائه‌شده در طول فرآیند میانجیگری نیز گسترش یابد. اگر قوانین ناظر بر روابط بین وکیل و موکل بر رابطه بین میانجی با بزه دیده و بزه‌کار نیز حاکم باشد، چنانچه بزه‌کار تمایل داشته باشد می‌تواند از چنین حقی چشم‌پوشی نماید. هرچند حفظ اطمینان و اعتماد به سیستم میانجیگری کیفری اصلی‌ترین استدلال طرفدار محرمانه بودن این فرآیند هست؛ اما به نظر می‌رسد که این امتیاز محرمانگی در میانجیگری نباید شامل اطلاعات و اسناد افشاء شده نسبت به جرائم آینده یا در حال ارتکاب، قصور میانجی، نقض مقررات اخلاقی مربوط به افشاء شده و نیز رفتار مجرمانه در حین میانجیگری کیفری اعمال گردد. باین حال این شرایط استثنایی با توجه به گستردگی آن قابل احصاء و شمارش نیست و در نتیجه، ضروری است که هر یک از طرفین که با تکیه بر استثناء، قصد افشاء دارد بار اثبات را نیز تحمل نماید و همچنین باید بتواند ثابت کند که هیچ طریق دیگری برای به دست آوردن این اطلاعات

ممتاز وجود نداشته است. به‌علاوه قبل از افشای این اطلاعات باید اثبات شود که حمایت از عدالت فردی به‌وضوح مهم‌تر از منافع میانجیگری کیفری است (Rathna, 2016, p-6)

نکته قابل‌توجه دیگر در این قسمت راجع به امکان توافق طرفین مبنی بر افشاء بعضی از مطالب یا اطلاعات ارائه‌شده در فرآیند میانجیگری است. چنانچه طرفین توافق نمایند که قسمتی از اطلاعات و مطالب ارائه‌شده در فرآیند میانجیگری قابل افشاء باشد آیا چنین توافقی قابلیت اجرا دارد؟ در اصول اساسی مورد استفاده در برنامه‌های عدالت ترمیمی در موضوعات کیفری سازمان ملل و توصیه‌نامه شورای اروپا چنین حقی برای طرفین وجود دارد. در نظام کیفری ایران به‌رغم اینکه حسب ماده ۲۱ آیین‌نامه میانجیگری تمام اطلاعات و اظهارات طرفین در فرآیند میانجیگری جنبه محرمانه دارد، به نظر با توجه به این‌که اصل محرمانه بودن فرآیند میانجیگری در جهت حفظ حقوق طرفین وضع گردیده است و از سوی دیگر فرآیند میانجیگری دارای ماهیت خصوصی بوده و مقررات وضع‌شده در این فرآیند صرفاً به جهت مراعات حقوق بزه دیده و بزهکار می‌باشد، چنانچه طرفین توافق نمایند در مواردی از این حق عدول نمایند و بیان قسمتی از مطالب یا اطلاعات ارائه‌شده را از شمول اصل محرمانه بودن خارج نمایند، امکان چنین توافقی وجود دارد.

۱.۳. تعارض ناشی از رعایت اصل محرم‌انگی با الزام به ارائه گزارش

با توجه به عبارت بکار رفته در توصیه‌نامه شورای اروپا و اصول اساسی سازمان ملل متحد از همه کسانی که در فرآیند میانجیگری (بزه دیده، بزهکار، میانجی و اشخاص ثالث مورد اعتماد) حضور دارند انتظار می‌رود که در مورد بحث‌ها و رفتارهایی که در طول میانجیگری صورت می‌گیرد رازدار باشند. هیچ‌یک از شرکت‌کنندگان در میانجیگری مجاز به افشای اطلاعات مربوط به میانجیگری نیستند. طبق ماده ۳۲ بند ۵ توصیه‌نامه شورای اروپا در مورد میانجیگری کیفری، تنها بایستی در خاتمه میانجیگری نتایج توافقات فی‌مابین افراد و یا عدم موفقیت‌آمیز بودن میانجیگری به دستگاه عدالت کیفری گزارش داده شود. در این گزارش تنها بایستی دلایل عدم توافق «در صورت موفق نبودن» ذکر گردد. این گزارش نباید اصل محرمانه بودن میانجیگری را خدشه‌دار کرده و جزئیات اظهارات و رفتار اشخاص را در طول دوره میانجیگری فاش نماید (عباسی، ۱۳۸۲، ص ۸۷)

قابل‌تصور است که در طول میانجیگری اطلاعاتی در خصوص جرائم مهم قریب‌الوقوع به دست آید. با توجه به بند ۳۰ توصیه‌نامه شورای اروپا، میانجی باید چنین اطلاعاتی را به اطلاع مقامات مربوطه برساند. جرائم مرتبطی که ممکن است بزهکار در حال برنامه‌ریزی برای ارتکاب آن‌ها باشد یا جرائمی که آن‌ها می‌دانند دیگران مرتکب خواهند شد. همچنین ممکن است بزهکار مرتکب جرائم دیگری علیه بزه دیده در طول میانجیگری شود. بدیهی است که در وضعیت دوم ممکن است تهدیدات جدی متوجه بزه دیده باشد. در حال حاضر، بزه دیده قادر به گزارش این موقعیت نیست؛

زیرا رفتار بزه‌کار در طول میانجی‌گری نمی‌تواند در رسیدگی‌های بعدی در نظر گرفته شود؛ بنابراین وظیفه میانجی است که نسبت به گزارش تهدید علیه بزه دیده اقدام نماید. برای نمونه، قانونگذار فرانسه «تهدید یا ترساندن بزه دیده برای وادار ساختن او به پس گرفتن شکایت» را یکی از جرم‌های علیه دادگری قضایی انگاشته است تا از گذر آن، شاکی یا بزه دیده بتواند با آرامش و امنیت کافی به احقاق حق خود و اجرای دادگری بپردازد. در ایران مقررات خاصی برای پیشگیری از تهدید بزه دیدگان در فرآیند دادگری جنایی پیش‌بینی نشده است. (رایجیان اصلی، ۱۳۹۰، ص ۵۷) از طرف دیگر برخی عقیده دارند میانجی باید تنها در صورتی که جرائم ارتكابی دارای ماهیت جدی و مهمی باشند آن‌ها را گزارش دهد و اطلاعات در مورد جرائمی که از نظر ماهیت نمی‌تواند مهم در نظر گرفته شود باید محرمانه بماند (van Schijnde, Ibid, p.49)

حسب ماده ۲۴ آیین‌نامه میانجی‌گری در امور کیفری^۱ و تبصره آن میانجی‌گر در ایران مکلف شده است مفاد اظهارات و گفتگوی طرفین را به صورت خلاصه در صورت‌مجلس تنظیمی قید نماید. مطابق تبصره همین ماده و در راستای انجام تکلیف تعیین‌شده برای میانجی‌گر در ماده ۸۳ قانون آیین دادرسی کیفری^۲ باید نتیجه میانجی‌گری در هر دو فرض موفقیت یا شکست به اطلاع مقام قضایی برسد آنچه در اینجا حائز اهمیت می‌باشد مفاد این گزارش است؛ مفاد تبصره ماده ۲۴ آیین‌نامه صرفاً ارائه اطلاعات مربوط به وضعیت کلی بزه دیده و آثار روانی، جسمانی و مالی جرم نسبت به وی و نیز مراتب ندامت یا عذرخواهی بزه‌کار و همچنین تلاش یا عدم تلاش بزه‌کار جهت جبران آثار جرم و التیام بخشیدن به آلام بزه دیده باید در گزارش ارائه‌شده مورد اشاره قرار گیرد و میانجی‌گر تکلیفی به ارائه سایر اطلاعات و مفاد گفتگوهای صورت گرفته بین طرفین به مقام قضایی ندارد. به نظر می‌رسد پیش‌بینی این موضوع در راستای حمایت از اصل محرمانه بودن فرآیند میانجی‌گری است؛ لذا میانجی‌وظیفه دارد که در تنظیم گزارش به گونه‌ای عمل نماید که باعث افشای سایر اطلاعات مربوط به فرآیند میانجی‌گری نگردد. در غیر این صورت، با توجه به اینکه نسبت به افشای اطلاعات محرمانه اقدام نموده است، می‌توان ضمانت‌اجراهای تعیین شده را نسبت به وی اعمال نمود.

۱ ماده ۲۴- میانجی‌گر باید مفاد صورت‌مجلس میانجی‌گری را تنظیم و گفتگوهای طرفین را به طور خلاصه منعکس و به امضای آنان برساند. در صورت امتناع هر یک از طرفین، مراتب توسط میانجی‌گر در صورت‌مجلس قید می‌شود.
۲ ماده ۸۳- نتیجه میانجی‌گری به صورت مشروح و با ذکر ادله آن طی صورت‌مجلسی که به امضای میانجی‌گر و طرفین می‌رسد، برای بررسی و تأیید و اقدامات بعدی حسب مورد نزد مقام قضائی مربوط ارسال می‌شود. در صورت حصول توافق، ذکر تعهدات طرفین و چگونگی انجام آنها در صورت مجلس الزامی است.

۲.۳. تعارض رعایت اصل محرم‌انگی و الزام به شهادت

میانجیگری کیفری ممکن است به نتیجه نرسد و در ادامه رسیدگی به اختلاف از طریق فرآیند رسمی پیگیری شود. اطلاعاتی که در طول فرآیند میانجیگری ارائه می‌شود ممکن است به رسیدگی‌های رسمی که در ادامه جریان پیدا می‌کند مربوط باشد؛ بنابراین ممکن است از شرکت‌کنندگان در میانجیگری خواسته شود که در خصوص اتفاقاتی که در میانجیگری افتاده است توضیح یا شهادت بدهند. هویت هر یک از شرکت‌کنندگان در میانجیگری مشخصه خاصی دارد. بزه دیده، بزه‌کار، میانجی و سایر شرکت‌کنندگان، هرکدام در طول رسیدگی قانونی که به دنبال میانجیگری صورت می‌گیرد نقش‌های متفاوتی ایفاء می‌کنند.

روبارویی بین معیارهای مربوط به اصل محرمانه بودن فرآیند میانجیگری و قواعد مربوط به سیستم نظام قانونی رسیدگی ممکن است منجر به اصطکاک شود. اصطکاک اصلی مربوط به وظیفه قانونی برای دادن شهادت است. بیشتر دولت‌ها قوانینی دارند که شاهدان را در صورتی که به‌عنوان گواه احضار شده باشند وادار به ادای شهادت می‌کنند. (vanSchijndel, Ibid, p. 51) شرکت‌کنندگان به‌طور کلی مطابق قانون مجبور به شهادت دادن هستند. ممکن است در رسیدگی‌های بعدی از شرکت‌کنندگان در خصوص اطلاعاتی که در طول میانجیگری به دست آورده است سؤال گردد. در این رابطه به نظر می‌رسد تعارضی بین محرمانه بودن محیط میانجیگری و وظیفه قانونی به‌عنوان شاهد برای ادای شهادت به وجود می‌آید. از یک‌سو اصل محرمانه بودن فرآیند میانجیگری، شرکت‌کنندگان را از افشای اطلاعات ممنوع کرده است، از طرف دیگر وظیفه قانونی شهادت دادن آن‌ها را به ارائه توضیح ملزم می‌نماید.

در رسیدگی کیفری نیز به نظر می‌رسد بزه دیده، میانجی و بزه‌کار می‌توانند به‌عنوان شاهد حضور یابند. با این حال، در محاکمات کیفری موقعیت بزه‌کاران متفاوت است. آن‌ها می‌توانند به‌عنوان متهم از حق محاکمه عادلانه وفق نظر دادگاه حقوق بشر اروپایی و میثاق حقوق مدنی و سیاسی برخوردار شوند. حق برخورداری از یک محاکمه عادلانه مستلزم آن است که بزه‌کاران را نمی‌توان مجبور به اعلام جرم علیه خودشان نمود. این به آن معناست که آن‌ها می‌توانند سکوت کنند. علاوه بر این، مفهوم محاکمه عادلانه نشان می‌دهد که بزه‌کاران می‌توانند از خودشان دفاع کنند که این امر مستلزم صحبت کردن بزه‌کار است. حق سکوت نیز هیچ‌گونه تنشی در این زمینه ایجاد نمی‌کند، زیرا بزه‌کار را قادر می‌سازد به اصل محرمانه بودن احترام گذاشته و در خصوص اطلاعات افشاء شده در میانجیگری صحبت نکند؛ به این دلیل که آن‌ها نمی‌توانند او را مجبور به ارائه توضیح نمایند. با این حال، ممکن است حق صحبت کردن بزه‌کار با اصل محرمانه بودن در تعارض قرار بگیرد؛ زیرا صحبت کردن بزه‌کار در مقام دفاع از خود گاهی مستلزم افشای اطلاعات

مطرح شده در فرآیند میانجیگری است. همچنین ممکن است مراقبت از مقررات محرمانگی آزادی بزهکاران را در خصوص توضیح و دفاع از اتهاماتی که علیه آن‌ها وجود دارد محدود کند. بزه دیدگان نیز می‌توانند در خصوص توافق صورت گرفته اظهار نظر کرده و از عواقبی که جرم برای آن‌ها به همراه داشته بگویند. ولی در اینجا نیز اصل محرمانه بودن ممکن است برای آن‌ها مانع ایجاد کند و آن‌ها قادر به بیان کامل این آثار و عواقب با توجه به رعایت اصل محرمانه بودن فرآیند میانجیگری نباشند و احترام به محرمانه بودن میانجیگری می‌تواند برای بزه دیده راجع به اظهاراتی که بیان می‌کند محدودیت ایجاد کند (van Schijnde, Ibid, p.52)

راجع به این بحث در نظام عدالت کیفری ایران حسب ماده ۲۰۴ قانون آیین دادرسی کیفری و تبصره یک^۱ آن، بازپرس به تشخیص خود یا با معرفی شاکی یا به تقاضای متهم و یا حسب اعلام مقامات ذی‌ربط، شخصی که حضور یا تحقیق از وی را برای روشن شدن موضوع ضروری تشخیص دهد می‌تواند احضار و در صورت عدم حضور جلب نماید. وفق ماده ۳۲۰ قانون آیین دادرسی کیفری^۲ قاضی دادگاه نیز می‌تواند در مواردی که کشف حقیقت و احقاق حق، متوقف بر شهادت شاهد یا کسب اطلاع از مطلع باشد و یا جرم با امنیت و نظم عمومی مرتبط باشد شاهد یا مطلع را احضار و در صورت عدم حضور جلب نمایند. از آنجاکه در ماده ۲۰۴ هیچ‌گونه قیدی در خصوص نوع یا شدت جرائمی که بازپرس می‌تواند برای روشن شدن موضوع، مطلع یا شاهد را احضار یا جلب نماید وجود ندارد بازپرس اختیار احضار و جلب را در همه جرائم دارد. در ماده ۳۲۰ نیز با توجه به قید «نظم عمومی» و از آنجاکه هر عملی که وارد قلمرو حقوق کیفری می‌شود علی‌الاصول به‌نوعی بانظم عمومی در ارتباط است، قانون‌گذار این اختیار را به مقامات قضایی داده است تا هر شخصی را با شرایط ذکر شده به‌عنوان مطلع یا شاهد احضار یا جلب نماید؛ بنابراین چنانچه در طول فرآیند میانجیگری هر یک از شرکت‌کنندگان اظهاراتی را بیان نمایند در صورت عدم حصول نتیجه در فرآیند میانجیگری و ارجاع موضوع به فرآیند رسمی رسیدگی در خصوص جرم موضوع میانجیگری و یا سایر جرائم ارتكابی، این نگرانی وجود خواهد داشت که با تقاضای طرفین یا به تشخیص خود مقام قضایی، میانجی یا سایر شرکت‌کنندگان به‌عنوان مطلع یا شاهد احضار یا جلب گردند،

۱ ماده ۲۰۴- بازپرس به تشخیص خود یا با معرفی شاکی یا به تقاضای متهم و یا حسب اعلام مقامات ذی‌ربط، شخصی که حضور یا تحقیق از وی را برای روشن شدن موضوع ضروری تشخیص دهد، برابر مقررات احضار می‌کند. تبصره ۱- در صورتی که شاهد یا مطلع برای عدم حضور عذر موجهی نداشته باشد جلب میشود؛ اما در صورتیکه عذر موجهی داشته باشد و بازپرس آن عذر را بپذیرد، مجدداً احضار و در صورت عدم حضور جلب می‌شود.
۲ ماده ۳۲۰- شاهد یا مطلع برای حضور در دادگاه احضار می‌شود. چنانچه شاهد یا مطلع بدون عذر موجه در جلسه دادگاه حاضر نشود و کشف حقیقت و احقاق حق، متوقف بر شهادت شاهد یا کسب اطلاع از مطلع باشد و یا جرم با امنیت و نظم عمومی مرتبط باشد، به دستور دادگاه در صورت وجود ضرورت حضور جلب می‌شود.

هیچ‌گونه استثنائی نیز در این زمینه قانون‌گذار تعیین ننموده است. تعارض موجود در اینجا بین مواد ۲۰۴ و ۳۲۰ قانون آیین دادرسی کیفری با مواد ۱۹ و ۲۱ آیین‌نامه میانجیگری هست از یک سو حسب مواد ۲۰۴ و ۳۲۰ قانون آیین دادرسی کیفری این اختیار به قضات داده شده است تا میانجی و سایر شرکت‌کنندگان در فرآیند میانجیگری را به‌عنوان گواه یا شاهد احضار نمایند و از سوی دیگر مطابق مواد ۱۹ و ۲۱ آیین‌نامه میانجیگری تمام اظهارات و مطالب بیان‌شده در فرآیند میانجیگری محرمانه تلقی گردیده است و نقض محرماتگی موجب مسئولیت خواهد بود.

حال سؤالی که در اینجا به ذهن متبادر می‌شود این است که اگر میانجی یا هریک از شرکت‌کنندگان به‌عنوان مطلع یا گواه در خصوص اظهاراتی که طرفین در طول فرآیند میانجیگری بیان کرده‌اند احضار گردند تکلیف آن‌ها چیست؟ از یک سو در صورت عدم حضور آن‌ها در مرجع قضایی امکان جلب آنها وجود دارد و از طرف دیگر چنانچه میانجی در مرجع قضایی حاضر و در خصوص اظهارات طرفین در طول میانجیگری افشاء گری نماید ممکن است مشمول ضمانت اجرای تعیین‌شده در آیین‌نامه میانجیگری گردد. برای حل این تعارض باید گفت که قانون آیین دادرسی کیفری از جمله قوانین امری است و مطابق اصل یک‌صد و هفتادم قانون اساسی قضات دادگاه‌ها باید از اجرای آیین‌نامه‌هایی که برخلاف قوانین می‌باشند خودداری نمایند؛ بنابراین چنانچه میانجی یا سایر شرکت‌کنندگان حسب درخواست مقامات قضایی مجبور به افشای اطلاعات بیان‌شده در فرآیند میانجیگری گردند مسئولیتی نخواهد داشت؛ اما با توجه به وجود حق سکوت برای مطلع یا گواه در نظام حقوقی ایران و عدم امکان اجبار مطلع یا گواه به شهادت، در صورت احضار یا جلب، میانجی یا سایر شرکت‌کنندگان این اختیار را خواهند داشت تا از حق سکوت خود در جهت حفظ محرماتگی فرآیند میانجیگری کیفری استفاده نمایند.

۳.۳. تعارض اصل محرماتگی با افشاء جرائم ارتكابی سابق

به دلیل اینکه فرآیند میانجیگری بزهکاران را تشویق می‌کند تا به‌صورت آشکارا در خصوص جرائمی که قبل از میانجیگری مرتکب شده‌اند حرف بزنند، ممکن است در حین دفاع از خود یا برای رهایی از احساس گناه به ارتکاب جرائمی جزء جرم اخیر که موضوع میانجیگری هست، اقرار کند. در این هنگام که بزهکار این اطلاعات را افشاء می‌کند تکلیف میانجی در خصوص گزارش آن به مقامات مربوطه چیست؟ برخی پیشنهاد داده‌اند که سیاست‌های عمومی مربوط به اجرای قوانین

۱. ماده ۱۹- میانجی‌گر نسبت به حفظ تمام اطلاعات و اسراری که از طرفین در جریان میانجیگری به دست می‌آورد حسب مورد مسئول است.

۲. ماده ۲۱- کلیه مطالب و اظهارات طرفین در فرآیند میانجی‌گری جنبه محرمانه دارد.

کیفری باید نسبت به حفظ حریم خصوصی در میانجیگری اولویت داده شود. (Thompson, 1997, p 329)

بنابراین، اگر یکی از طرفین فعالیت‌های مجرمانه گذشته خود را افشاء کند نباید این اظهارات دارای مزیت مجرمانگی باشند. عده‌ای دیگر مخالف این دیدگاه هستند و بر این باورند که مجرمانه تلقی کردن اقرار مربوط به فعالیت‌های مجرمانه گذشته در طول میانجیگری نباید به‌عنوان یک امتیاز محسوب شود تا درباره استثناء پذیر بودن آن تردیدی پیش آید بلکه مجرمانه بودن جزء ذات میانجیگری است. در غیر این صورت باعث حذف برنامه‌های میانجیگری کیفری و از بین رفتن میانجیگری در انواع دیگر اختلافات نیز خواهد بود (Kirtley, 1995, p 4)

در نظام عدالت کیفری ایران اشخاص عادی تکلیفی جهت اطلاع جرائم ارتكایی به مقامات رسمی ندارند (نجفی توانا، فدایی ۱۳۹۳، ص ۱۸۷) بلکه قانون‌گذار مصادیق این تکلیف را در موارد مختلف مشخص نموده است. به‌عنوان مثال در ماده ۶۰۶ قانون تعزیرات راجع به گزارش جرائم مالی در حوزه کاری خود، یا مواد ۱۳ و ۱۴ قانون ارتقاء سلامت نظام اداری و مقابله با فساد مصوب ۱۳۹۰ چنین تکلیفی را بر عهده اشخاص خاصی قرار داده است. حسب ماده ۷۲ قانون آیین دادرسی کیفری «هرگاه مقامات و اشخاص رسمی از وقوع یکی از جرائم غیرقابل‌گذشت در حوزه کاری خود مطلع شوند، مکلف‌اند موضوع را فوری به دادستان اطلاع دهند» به عقیده برخی منظور از مقامات و اشخاص رسمی عبارت است از مدیران و کارکنان سازمان‌ها و ادارات دولتی و عمومی، اعم از اینکه این اشخاص با سازمان یا اداره مزبور رابطه رسمی یا استخدامی داشته باشند (خالقی، ۱۳۹۳، ص ۷۷)

بنابراین اشخاص عادی تکلیفی به اطلاع به مقامات صالحه در خصوص جرائمی که از آنها به هر طریقی مطلع شوند، ندارند. در خصوص این موضوع آیین‌نامه میانجیگری در امور کیفری در نظام کیفری ایران چه سیاستی را اتخاذ کرده است؟ آیا میانجی‌گر وظیفه‌ای در خصوص گزارش یا اطلاع نسبت به جرائمی که طرفین در گذشته مرتکب شده‌اند و به هر طریقی میانجی‌گر در حین فرآیند میانجیگری از ارتکاب آن‌ها مطلع گردیده است دارد؟ اگر میانجی‌گر در طول فرآیند میانجیگری در خصوص سایر جرائمی که طرفین مرتکب شده‌اند اطلاعی حاصل نماید تکلیف وی چیست؟ در پاسخ به این پرسش باید گفت که مطابق آیین‌نامه کلیه مطالب و اظهارات طرفین در فرآیند میانجیگری جنبه مجرمانه دارد و میانجی‌گر مکلف به حفظ تمام اسرار و اطلاعاتی است که در جریان میانجی‌گری به دست می‌آورد. از طرف دیگر میانجی‌گر به‌عنوان مقامات و اشخاص رسمی «محسوب نمی‌گردد تا وی را مکلف به اطلاع به دادستان در خصوص جرائمی نمود که از وقوع آنها به هر طریقی مطلع می‌شود؛ بنابراین، باید در پاسخ به این سؤال به سایر قوانین و مقررات کیفری مراجعه نمود. از آنجاکه میانجی‌گر نیز یک فرد عادی محسوب می‌گردد، بنابراین چنانچه در طول فرآیند میانجیگری از ارتکاب هر نوع جرمی توسط طرفین در گذشته مطلع گردد تکلیفی به

گزارش یا اطلاع آن به مقامات قضایی ندارد و نوع و شدت جرائم ارتكابی نیز در این خصوص مؤثر نخواهد بود.^۱

۴.۳. تعارض اصل محرمانگی و جرائم احتمالی ارتكابی در آینده

آیا وقتی اطلاعات به دست آمده در خصوص تهدید به ارتكاب جرم در آینده باشد، میانجی موظف به افشای اطلاعات به دست آمده در روند میانجیگری هست؟ بیشتر کدهای اخلاقی برای پزشکان، وکلا، روانشناسان و سایر حرفه‌ای‌ها، اجازه می‌دهند که این محرمانگی در صورتی که آن‌ها از لحاظ منطق حرفه‌ای معتقد باشند در صورت عدم افشاء این اطلاعات ممکن است صدمات شدید بدنی یا مرگ اتفاق افتد، نقض شود. تهدیدات قریب‌الوقوع در خصوص آسیب‌های جسمی شدید باید به مقامات صالح گزارش شود (Thompson, Ibid, p. 365). در حال حاضر وظیفه اطلاع نسبت به جرائم آینده به شخص ثالث به طور خاص به میانجی‌ها تحمیل نشده است. هرچند که با یک قیاس موازی نسبت به وظیفه سایر حرفه‌ای‌ها می‌توان قائل به این شد که میانجی‌ها نیز این وظیفه را دارند (Gibson, 1992, p. 25) در حال حاضر کدهای اخلاقی مربوط به میانجیگری به وضوح بیان نکرده‌اند که آیا میانجی یک وظیفه اخلاقی برای هشدار دادن درباره قصد هریک از طرفین برای ارتكاب جرم دارند؟ (Ellen Reimund, Ibid, p. 408) سؤالی که در اینجا مطرح می‌شود این است که آیا باید در خصوص همه جرائم مربوط به آینده به طور یکسان برخورد کنیم؟ آیا باید وضعیت هشدار و غیر محرمانه بودن تهدیدات قریب‌الوقوع صرفاً محدود به جرائم مهم یا مستلزم مرگ اعمال شود و در خصوص جرائم علیه اموال و جرائم سبک اصل محرمانگی حمایت شود؟

در خصوص جرائم مربوط به آینده برای نمونه در مقررات ایالت اورگان دقت بیشتری صورت گرفته است؛ جایی که میانجی معتقد باشد افشای مکالمات به خاطر جلوگیری یکی از طرفین از ارتكاب جرمی که احتمالاً نتیجه آن مرگ یا صدمه شدید جسمانی به یک شخص معین هست افشاء آن لازم است. (Ellen Reimund, Ibid, p. 414) از این رو تهدیدات شامل جرائم سنگین یا مرگ هست در حالی که بررسی اساسنامه ایالت‌های دلاویر و تنسی نشان می‌دهد که آن‌ها در خصوص عدم افشای هرگونه تهدید نسبت به صدمه جسمانی یا خسارات مالی در ارتباط با طرفین اختلاف یا اشخاص ثالث حمایتی در نظر نگرفته‌اند و عدم حمایت از اصل محرمانه بودن در خصوص تهدید به آسیب‌های جسمانی صرف نظر از این که آسیب جدی باشد یا نه پیش‌بینی گردیده است. همچنین تهدیدات در خصوص صدمه به اموال نیز گسترش پیدا کرده است (Ibid, p. 414)

۱. هرچند همان طور که در صفحات بعدی اشاره خواهیم کرد، اتخاذ رویه یکسان در خصوص کلیه جرائم بدون توجه به نوع و شدت آنها و نیز جرائم ارتكابی بر علیه همه بزه دیدگان قابل انتقاد باشد.

با توجه به قوانین موجود در ایران و نیز مقررات پیش‌بینی شده در آیین‌نامه میانجیگری در امور کیفری در حال حاضر میانجی تکلیف قانونی جهت گزارش تهدیدات احتمالی به مقامات قضایی یا در اختیار قرار دادن اطلاعاتی که بیانگر تهدید به ارتکاب جرم در آینده باشد ندارد. این رویکرد قانونگذار با توجه به پیچیده شدن ماهیت جرائم ارتكابی با واقعیات اجتماعی چندان هم‌خوانی ندارد. در واقع قانونگذار نباید رویه یکسانی نسبت به جرائم مهم و شدید و جرائم غیر مهم اتخاذ نماید؛ زیرا آثار بعضی از جرائم در صورت وقوع غیرقابل جبران و موجب ورود خسارات فراوانی خواهد شد. باید پیشگیری از وقوع این‌گونه جرائم از سوی قانونگذار در اولویت قرار گیرد. یکی از شیوه‌های پیشگیری از وقوع این نوع جرائم، گزارش آن به مقامات رسمی قبل از وقوع جرم از ناحیه افرادی است که به هر طریقی از احتمال وقوع آنها مطلع می‌شوند. منطقی نمی‌پذیرد عضوی از جامعه از وقوع چنین جرائمی در آینده اطلاع داشته باشد و تکلیفی به گزارش آن نداشته باشد.

۵.۳. تعارض اصل محرمانگی و سوءاستفاده از کودکان یا بزرگسالان آسیب‌پذیر

با توجه به اینکه بسیاری از برنامه‌های میانجیگری بزه دیده- بزه‌کار با نوجوانان کار می‌کنند در جریان گفتگو در خصوص اینکه چرا یک بزه‌کار مرتکب جرم می‌شود، ممکن است اطلاعات قابل‌استفاده‌ای در خصوص شرایط زندگی کودکان از جمله کودک‌آزاری به دست آید، وظیفه قانونی میانجی در خصوص گزارش موارد کودک‌آزاری چیست؟ در این خصوص وظیفه قانونی میانجی در مورد گزارش موارد کودک‌آزاری ناشی از یک الزام قانونی در تمام ۵۰ ایالت آمریکا است (Carolin, 1998, p- 183) اگرچه در سرتاسر آمریکا قوانینی وجود دارند که گزارش سوءاستفاده از کودکان و افراد آسیب‌پذیر را برای همه افراد اجباری دانسته‌اند. تعدادی قوانین پراکنده نیز وجود دارند که مصادیق کسانی را که وظیفه گزارش‌ها اجباری را دارند تعیین نموده است. به‌طور کلی فهرستی از حرفه‌ای‌ها که باید خشونت علیه کودکان و افراد آسیب‌پذیر را گزارش بدهند عبارت‌اند از؛ پزشکان، پرستاران، مددکاران اجتماعی، روانشناسان، مقامات دولتی، وکلا، روحانیون و دندان‌پزشکان. (Ibid, p.183) در برخی موارد میانجیگری‌ها مجاز هستند که دلایل و شواهد مربوط به کودک‌آزاری را گزارش نمایند اما فاش کردن آن‌ها ضروری نیست؛ حتی گزارش‌های اجباری در خصوص کودک‌آزاری تا زمانی که به‌عنوان یک میانجی خدمت می‌کنند به‌عنوان یک تکلیف قانونی به حساب نمی‌آید (Volpe, 2000, p- 6)

در ایران حسب ماده ۶ قانون حمایت از کودکان و نوجوانان^۱ کلیه افراد و مؤسسات و مراکزی که به نحوی مسؤولیت نگاهداری و سرپرستی کودکان را بر عهده دارند، مکلفاند به محض مشاهده موارد کودک‌آزاری مراتب را جهت پیگرد قانونی مرتکب و اتخاذ تصمیمی مقتضی به مقامات صالح قضائی اعلام نمایند. همان‌گونه که ملاحظه می‌شود وظیفه گزارش اجباری جرم کودک‌آزاری تنها برای افراد و مراکزی که به نحوی مسئول نگاهداری و سرپرستی کودکان می‌باشند اجباری گردیده است و سایر افراد تکلیفی در این خصوص ندارند. لذا به نظر می‌رسد به جهت اینکه میانجی‌گر مسئول مراقبت و نگاهداری از کودکان نیست وظیفه‌ای نیز در این خصوص ندارد و در خصوص جرائم ارتكابی علیه بزرگسالان آسیب‌پذیر نیز با توجه به عدم پیش‌بینی تکلیفی از سوی قانون‌گذار جهت اطلاع یا گزارش اجباری جرائم ارتكابی بر علیه آن‌ها میانجی تکلیفی در این خصوص ندارد. به نظر می‌رسد این رویکرد قانونگذار برخلاف حقوق بزه دیدگان گروه‌های خاص باشد؛ زیرا بزه دیدگانی مانند کودکان و نوجوانان، سالمندان و ناتوانان نیاز به حمایت بیشتری از سوی قانونگذاران دارند. قانونگذار ایران با الحاق به کنوانسیون حقوق کودک در سال ۱۳۷۲، ضرورت بازنگری قوانین و مقررات ملی را در این زمینه پذیرفته است؛ بنابراین، لزوم تغییر قوانین فعلی به نفع بزه دیدگان خاص من جمله کودکان به روشنی احساس می‌گردد تا اشخاصی که از لحاظ حرفه‌ای با کودکان در ارتباط هستند مانند وکلا، میانجی‌گرها، پزشکان، پرستاران، مددکاران اجتماعی، روانشناسان و معلمان تکلیف به گزارش جرائم ارتكابی علیه کودکان را داشته باشند.

۶.۳. تعارض اصل محرماتگی با افشاء اسناد ارائه شده

مطابق ماده ۲۰ آیین‌نامه میانجیگری در امور کیفری، میانجی‌گر نسبت به حفظ تمام اطلاعات و اسراری که از طرفین در جریان میانجیگری به دست می‌آورد مسئول است. آیین‌نامه هیچ تفاوتی در خصوص ماهیت و نوع اسناد ارائه شده قائل نگردیده است؛ بنابراین میانجی‌گر نسبت به هر نوع اسناد و مدارکی که در حین میانجیگری به دست می‌آورد، اعم از اینکه مربوط به قبل از شروع فرآیند باشد یا در حین میانجیگری مسئول بوده و این اسناد محرمانه می‌باشند.

مطابق قانون آیین دادرسی کیفری ایران مقامات قضایی می‌توانند هریک از شرکت‌کنندگان در فرآیند میانجیگری را به‌عنوان شاهد یا مطلع احضار نمایند و توافق طرفین مبنی بر محرمانه بودن فرآیند نیز تأثیری در این خصوص ندارد. همچنین ممکن است مقام قضایی درخواست ارائه اسناد و

۱ ماده ۶ - کلیه افراد و مؤسسات و مراکزی که به نحوی مسؤولیت نگاهداری و سرپرستی کودکان را بر عهده دارند مکلفند به محض مشاهده موارد کودک‌آزاری مراتب را جهت پیگرد قانونی مرتکب و اتخاذ تصمیم مقتضی به مقامات صالح قضائی اعلام نمایند تخلف از این تکلیف موجب حبس تا شش ماه یا جزای نقدی تا پنج میلیون (۵۰۰۰۰۰۰) ریال خواهد بود.

مدارکی را نماید که بزهکار به میانجیگری ارائه نموده است. این سؤال قابل طرح است آیا میانجی الزامی به ارائه این اسناد و مدارک به مقامات قضایی دارد؟ از یک طرف مطابق ماده ۲۱ آیین‌نامه میانجیگری ارائه این اسناد و مدارک به جهت محرمانه بودن آن‌ها موجب مسئولیت خواهد بود و از سوی دیگر مطابق ماده ۱۵۴ قانون آیین دادرسی کیفری^۱ به صراحت بیان گردیده است که هرگاه متهم نوشته، اسناد، مدارک و اسباب و ادله مؤثر در کشف جرم مربوطه را به وکیل یا شخص دیگری بسپارد بازپرس می‌تواند آن‌ها را در حضور وکیل یا آن شخص بررسی نماید و برای عدم ارائه آن‌ها نیز ضمانت اجرا تعیین کرده است. به نظر می‌رسد مطالبه و بررسی اسناد و مدارک ارائه‌شده از سوی متهم به میانجی از طرف مقامات قضایی امکان‌پذیر هست و در این خصوص قانون‌گذار محدودیتی را قائل نگردیده است. هرچند با توجه به اینکه میانجیگری در ایران هنوز در مراحل اولیه خود می‌باشد لذا برای پاسخ‌گویی دقیق به این مسائل باید منتظر نحوه عملکرد رویه قضایی نیز ماند.

قانونی که به‌طور خاص محرمانگی در برنامه‌های میانجیگری بین بزه دیده و بزهکار را پوشش می‌دهد بخش ۰۷۳، ۱۵۴ از قانون رویه‌ها و شیوه‌های جبران حقوقی (مدنی) ایالت تگزاس هست مطابق این قانون؛ الف) به جزء موارد مشخص‌شده در زیرمجموعه (d)، (c)، (e) و (f) در ارتباط با موضوع هرگونه اختلاف مدنی یا کیفری، اطلاعات ارائه‌شده توسط هریک از شرکت‌کنندگان در یک روش جایگزین حل‌وفصل اختلافات محرمانه تلقی می‌شود - خواه مربوط به قبل یا بعد از رسیدگی قضایی رسمی باشد - و قابل افشاء نیست و به‌عنوان یک مدرک علیه شرکت‌کنندگان در یک اقدام قضایی یا اداری نمی‌تواند مورد استفاده قرار گیرد. (ب) هر سابقه ایجادشده در طول فرآیند حل‌وفصل جایگزین برای اختلافات محرمانه است و شرکت‌کنندگان یا اشخاص ثالث تسهیل‌کننده در این فرآیند نمی‌توانند شهادت یا گزارشی در خصوص اقدامات مربوطه یا مسائل ناشی از موضوع مورد مناقشه بدهند و سوابق و اطلاعات مرتبط با آن محرمانه محسوب می‌گردد (Ellen Reimund, Ibid, p. 411)

مقررات ایالت اورگان نیز استفاده از مکاتبات مربوط به میانجیگری را به‌عنوان پذیرش جرم و یا به‌عنوان مدرک علیه بزهکار در دادگاه ممنوع اعلام کرده است. باین حال مواردی مانند کودک‌آزاری یا جرائم علیه سالمندان که گزارش آن‌ها الزامی است تحت شمول اصل محرمانگی قرار نمی‌گیرند. مطابق مقررات ایالت اوکلاهاما اطلاعات دریافت شده توسط میانجی یا شخص استخدام‌شده برای

۱. ماده ۱۵۴ - هرگاه متهم، نوشته، اسناد، مدارک، اسباب و ادله مؤثر در کشف جرم مربوطه را به وکیل خود یا شخص دیگری بسپارد، بازپرس می‌تواند آنها را حسب مورد، در حضور وکیل یا آن شخص بررسی کند. در صورت استتکاف اشخاص مذکور از ارائه آنها، مستنکف به مجازات مقرر برای خلاصی متهم از محاکمه محکوم میشود، اما در صورتیکه این اشخاص عذر موجه داشته باشند، ادله خود را به مقام قضائی رسیدگی کننده ارائه میدهند. نوشته، اسناد و مدارک غیرمرتبط با جرم نباید مطالبه و مورد بررسی قرار گیرد.

کمک به میانجی «شامل گزارش‌ها، مصاحبه‌ها، یادداشت‌ها، خلاصه پرونده‌ها» ممتاز و محرمانه است (Ellen Reimund, Ibid, p.415)

۴. اشخاص ملزم به رعایت اصل محرماتگی

در فرآیند میانجیگری افراد مختلفی حضور دارند تشخیص اینکه رعایت مقررات مربوط به محرماتگی از جانب کدام‌یک از افراد دخیل در این فرآیند لازم است از اهمیت زیادی برخوردار است. مطابق ماده ۱۷ آیین‌نامه میانجیگری در امور کیفری در صورت تشخیص میانجی و توافق طرفین حضور سایر اشخاص با رعایت ماده ۱۹ آیین‌نامه میانجیگری بلامانع هست؛ بنابراین در صورت حضور سایر اشخاص در فرآیند میانجیگری وفق ماده ۱۹ آیین‌نامه این افراد نیز مکلف به حفظ تمام اطلاعات و اسراری هستند که در جریان میانجیگری به دست می‌آورند و در صورت افشاء مسئول خواهند بود. همچنین مطابق ماده ۲۷ آیین‌نامه میانجیگری امکان حضور سایر اشخاص و سازمان‌ها در فرآیند میانجیگری در صورتی که بزه دیده یا بزهدار زیر ۱۸ سال سن داشته باشند با تشخیص میانجی‌گر و بدون نیاز به موافقت طرفین فراهم می‌باشد. هرچند در ماده ۲۷ آیین‌نامه ضمانت اجرای ماده ۱۹ آیین‌نامه میانجیگری پیش‌بینی نگردیده است، ولی به نظر می‌رسد این عدم تصریح به ضمانت اجرای ماده ۱۹ آیین‌نامه میانجیگری در ماده ۲۷ صرفاً با این فرض بوده است که افراد حاضر در سازمان‌های مردم‌نهاد به جهت حرفه‌ای بودن، خود را ملزم به رعایت اصل محرمانه بودن این فرآیند خواهند نمود؛ بنابراین عدم قید ضمانت اجرای ماده ۱۹ آیین‌نامه به منزله عدم وجود ضمانت اجرا در صورت افشاء اطلاعات نیست و قید «سایر اشخاص» در ماده ۱۷ آیین‌نامه میانجیگری اشخاص موضوع ماده ۲۷ آیین‌نامه میانجیگری را نیز دربرمی‌گیرد. سؤالی که در اینجا مطرح می‌شود این است که آیا ضمانت اجرای تعیین‌شده در ماده ۱۹ آیین‌نامه میانجیگری صرفاً ناظر به میانجی‌گر و سایر اشخاص حاضر در این فرآیند هست یا شامل بزه دیده و بزهدار نیز می‌شود؟ مطابق ماده ۲۱ آیین‌نامه میانجیگری کلیه مطالب و اظهارات طرفین در فرآیند میانجیگری محرمانه است و این یک قاعده کلی هست که ناظر به کلیه شرکت‌کنندگان در فرآیند میانجیگری هست و هیچ‌یک از شرکت‌کنندگان حق افشاء این اطلاعات را ندارند آنچه در اینجا مبهم است امکان تسری ضمانت اجرای تعیین‌شده در ماده ۱۹ آیین‌نامه میانجیگری به بزهدار و بزه دیده هست؛ زیرا ضمانت اجرای ماده ۱۹ آیین‌نامه صرفاً ناظر به میانجی و اشخاص ثالث هست. نکته مهم دیگر تعیین میزان و نوع ضمانت اجرای مدنظر ماده ۱۹ آیین‌نامه میانجیگری هست. در صورت افشاء این اطلاعات، ضمانت اجرای مقرر در ماده ۱۹ آیین‌نامه میانجیگری چیست؟ به نظر می‌رسد گذشته از این که در صورت ورود خسارت از بابت افشاء اطلاعات به هریک از طرفین، افشاء‌کننده مسئول جبران خسارت خواهد بود، اما از لحاظ کیفری

نیز افشاء کننده مطابق ماده ۶۴۸ قانون مجازات اسلامی^۱ قابل مجازات خواهد بود؛ زیرا مطابق این ماده کلیه کسانی که به مناسبت شغل یا حرفه خود محرم اسرار می‌شوند هرگاه در غیر موارد قانونی، اسرار مردم را افشاء کنند قابل مجازات خواهند بود؛ که با عنایت به ماده ۲۱ آیین‌نامه میانجیگری، میانجی نیز در صورت افشای اسرار و اطلاعات مربوط به فرآیند میانجیگری مشمول مجازات ماده ۶۴۸ قانون مجازات اسلامی خواهد بود.

نتیجه‌گیری

معیارهای مختلفی در پروتکل‌ها و معاهدات بین‌المللی و نیز قوانین داخلی برای برگزاری فرآیند میانجیگری کیفری مناسب و نیز موفقیت این فرآیند وضع گردیده است. یکی از این اصول اصل محرمانگی است که در اصول اساسی مورد استفاده در برنامه‌های عدالت ترمیمی در موضوعات کیفری سازمان ملل و توصیه‌نامه شورای اروپا مدون شده است. همچنین دستورالعمل‌های اخلاقی توصیه‌شده توسط انجمن میانجیگری کیفری و گروه اروپایی برای کارآمدی عدالت، راهنمایی‌ها و توصیه‌هایی را در این خصوص داشته‌اند. از جمله اینکه رعایت اصل محرمانگی در فرآیند میانجیگری یکی از اصول مبنایی و اساسی در این فرآیند است؛ مگر اینکه با توافق طرفین یا به موجب الزامات قانونی در بعضی از موارد این اصل نادیده گرفته شود.

این معیارها و راهکارها جهت حفظ و تضمین منافع شرکت‌کنندگان و اطمینان از مشارکت بزه دیده و بزهکار در این فرآیند و تبادل آزاد اطلاعات وضع گردیده است. یکی از راهکارهای پیش‌بینی شده آن است که میانجیگری در یک محیط محرمانه برگزار شود. محرمانه بودن این فرآیند ممکن است با برخی از اصول حقوق جزایی و مدنی ناسازگار باشد و برخی از اصول و هنجارهای قانونی را به چالش بکشد. از جمله این هنجارها و اصول می‌توان به ارائه گزارش جرائم ارتكابی مربوط به گذشته از سوی هر یک از طرفین این فرآیند، یا تصمیم هر یک از آنها به ارتكاب جرمی در آینده و نیز جرائمی که علیه کودکان و افراد سالمند یا کم‌توان ارتكاب یافته است اشاره کرد. همچنین در مواردی ممکن است شرکت‌کنندگان در میانجیگری الزام به شهادت یا ارائه اطلاعات و مدارک ارائه‌شده باشند. در حال حاضر با توجه به مقررات کیفری موجود در حقوق ایران در بسیاری از این موارد بین آیین‌نامه مربوط به میانجیگری و رعایت اصل محرمانگی و قوانین جزایی تعارض وجود دارد؛ بنابراین به نظر می‌رسد به منظور رعایت این اصل در قوانین

۱. ماده ۶۴۸ - اطبا و جراحان و ماماها و داروفروشان و کلیه کسانی که به مناسبت شغل یا حرفه خود محرم اسرار می‌شوند هرگاه در غیر از موارد قانونی، اسرار مردم را افشاء کنند به سه ماه و یک روز تا یک سال حبس و یا به یک میلیون و پانصد هزار تا شش میلیون ریال جزای نقدی محکوم می‌شوند.

داخلی به وضوح استثنائات آن مشخص گردد و امتیازاتی مانند امتناع از شهادت، یا عدم الزام به ارائه دلایل پیش‌بینی گردد. یا اینکه موارد استثنائی را محدود به جرائم خاص و مشخصی گردد تا استفاده از فرآیند میانجیگری کیفری با اطمینان خاطر بیشتری صورت گیرد. به احتمال زیاد روند میانجیگری با اظهارات بزهکار در خصوص سایر جرائم ارتكابی و یا ارتكاب جرم در طول روند میانجیگری عقیم می‌ماند و دامنه فعلی از اصل محرمانه بودن ممکن است در مواردی که گزارش میانجی باعث متوقف شدن فرآیند میانجیگری می‌گردد باعث بزه دیدگی مجدد بزه دیده گردد.

منابع

الف) فارسی

۱. خالقی، علی، ۱۳۹۳، نکته‌ها در قانون آیین دادرسی کیفری، چاپ اول، تهران، موسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهر دانش
۲. رایجیان اصلی، مهرداد، ۱۳۹۰، بزه دیده شناسی حمایتی، تهران، نشر دادگستر
۳. درویشی هویدا، ۱۳۸۸، یوسف، شیوه‌های جایگزین حل و فصل اختلاف، تهران، نشر میزان
۴. عباسی، مصطفی، ۱۳۸۲، افق‌های نوین عدالت ترمیمی میانجیگری کیفری، چاپ اول، تهران، انتشارات دانشور
۵. غلاملو، جمشید، ۱۳۹۶، رویکرد ترمیمی به تعقیب جرایم علیه شخصیت معنوی، دانش‌نامه عدالت ترمیمی: مجموعه مقاله‌های همایش بین‌المللی عدالت ترمیمی و پیشگیری از جرم، تهران، میزان، چاپ نخست، صص ۶۰۴ تا ۶۱۸
۶. غلامی، حسین، ۱۳۸۵، عدالت ترمیمی، چاپ اول، تهران، انتشارات سمت
۷. نجفی توانا، علی، فدایی، حسن، ۱۳۹۳، الزام افراد عادی به گزارش جرم در حقوق ایران و فرانسه، فصلنامه حقوق اسلامی، شماره چهل و دوم، صص ۱۶۵ تا ۱۹۲

ب) انگلیسی

8. Kirtley, Alan, 1998, *Uniform Mediation Privilege Should Draw from Both Absolute and Qualified Approaches*, 5 DiSP. Resol mag.
9. Hirsch, A.von, 2003, *Restorative Justice and Criminal Justice: competing or Reconcilable paradigms*, oxford, Oxford University Press
10. Tomkins, Alan J. J.D, Mark A. Small J.D, 2002, *International Perspectives on Restorative and Community Justice*, Behavioral sciences and the law, Volume 20, Issue 4, Pages 307-436
11. Shannon, Brian D., 2000, *Confidentiality of Texas Mediations: Ruminations on Some Thorny Problems*, 32 tex techl .rev
12. Petrucci, C.J. 2002, 'Apology in the Criminal Justice Setting: Evidence for Including Apology as an Additional Component in the Legal System', *Behavioral Sciences and the Law*
13. Crowther, Chris, 2007, *An Introduction to Criminology and Criminal Justice*, New York, Palgrave Macmillan.
14. Caroline T. Trost, 1998, *Chilling Child Abuse Reporting: Rethinking the CAPTA Amendments*,
15. Ness, D. van, , 2003, 'Proposed Basic Principles on the Use of Restorative Justice: Recognizing the Aims and Limits of Restorative Justice', in: A. von Hirsch, *Restorative Justice and Criminal Justice: Competing or Reconcilable Paradigms*, Oxford: Hart
16. Miers D, Willemsens J., 2004 (eds.), *Mapping Restorative Justice*, Leuven: European Forum for Victim Offender Mediation and Restorative Justice
17. Duff, A., 2003, *Restoration and retribution*, in A.von Hirsch (eds) *Restorative justice and criminal justice Competing or Reconcilable Paradigms* Oxford, Hart Publishing,

18. Handbook on Justice for Victims, 1999, United Nations Office for Drug Control and Crime Prevention, Center for International Crime Prevention, New York
19. Bellard, Jan, 2000, The Community Mediator, *Victim-Offender Mediation*, <http://www.voma.org/docs/bellard.pdf> (last visited on Mar. 23, 2003)
20. Braithwaite, J., 2003 'Principles of Restorative Justice', in: A. von Hirsch *et al* (eds.), *Restorative Justice and Criminal Justice: Competing or Reconcilable Paradigms* Oxford, Oxford University Press
21. Lauwaert, K., 2008, *Herstelrecht en procedurele waarborgen*, Apeldoorn/Antwerp, Maklu
22. Kirtley, 1995, *The Mediation Privilege's Transition from Theory to Implementation: Designing a Mediation Privilege Standard to Protect Mediation Participants, the Process and the Public Interest*, J. Disp. RESOL.
23. Gibson, Kevin, 1992, Confidentiality in Mediation: A Moral Reassessment, J. DisP. RESOL.
24. Ellen Reimund, Mary, 2004, Confidentiality in Victim Offender Mediation: A False Promise, J. Disp. Resol.
25. Umbreit, Mark S., 2003 Legislative Statutes on Victim Offender Mediation: A National Review, VOMA Connections, available at <http://voma.org/docs/connect15.pdf> (last visited Aug. 8, 2004).
26. Umbreit, Mark S., 1994, *Victim meets Offender: the impact of Restorative Justice and Mediation*, Monsery, NY: Criminal Justice Press
27. Price, Marty, 2001, *Personalizing Crime: Mediation Produces Restorative Justice for Victims and Offenders* <http://vorp.com/articles> (last visited Mar. 3, 2002).
28. Volpe, Maria R. 2000, Promises and Challenges: ADR in the Criminal Justice System, 7 DisP. RESOL. MAG
29. Thompson, Peter N, 1997, Confidentiality, Competency and Confusion: The Uncertain Promise of the Mediation Privilege in Minnesota, 18 Hamline J. Pub. L.
30. Rathna N. Koman, 2016, Balancing the Force in Criminal Mediation, Beijing Law Review, Scientific Research Publishing Inc.
31. Van Schijndel R.A.M, 2009, Confidentiality and victim-offender mediation, Portland, Maklu Uitgevers
32. Basic Principles on the Use of Restorative Justice Programmes in Criminal Matters, ECOSOC Res/2000/14
33. Recommendation R (99)19 concerning Mediation in Penal Matters Adopted by the Committee of Ministers, 15 September 1999
34. Guidelines for a better implementation of the existing recommendation concerning mediation in penal matters, European Commission for the Efficiency of Justice (CEPEJ), Strasbourg, 7 December 2007
35. <http://www.abanet.org>